حسن کاشی
شاعر شیعی قرن هفتم و هشتم
غلامعلی حسنالله عادل

کوتاه زمانی پس از انتشار کتاب هفتند بنده، هفته‌هایی که حاوی هفت بند مروف کمال الدین حسن بن محمود کاشی و هفت بند دیگری از که به اقتضاء و سردیه شده، دیوان اشعار او نیز نخستین بار به دورینس سی‌دی‌سی‌سی و با مقدمه حسن عاطفی منتشر شد. ۱ هر دوی کتاب از انتشارات کتابخانه موزه و مرکز استاد مجلس شورای اسلامی است و جماهیر اطهار خوشنویسی از سروت گریی و سامان بیانات انتشارات این کتابخانه، از رئیس محرم کتابخانه و آقایان رستاخیز و عاطفی خروج داشته‌اند. آمانت ادبیات جهان اسلام و علم و ادبیات ملت‌های دنیا، عاطفی

حسن کاشی شاعر شیعه سده‌ای هفتم و هشتم است. خانواده او از مردم کاشان بوده‌اند. اما در آلم بچه به جهان گشوده و در آن‌جا می‌زیسته و آرامگاهش در سلطانیه زنجان است. شرح حال وی در جلد سیزدهم دانش‌نامه جهان اسلام ذیل مدخل گنجشن کاشی آمده و مبنای آن که می‌تواند محل رجوع محققان باشد، به قصاید دربیان مقاله‌ها ذکر شده است. در دیوان حسن، جز در ملح علی و آل علی علیه السلام شعری دیده نمی‌شود. از جز ملحیان خاندان، مدحی دیگر نگفته است. اگرچه سنال قبیل از او، شاعر شیعه دیگری مانند ناصرخسرو قمی‌خانه، گفت و گویت این است. یکی از اشعاری که به‌طور پرداخته‌است، گنبد بلشک، چهارمین منبج معمول معمولاً نصرتی را با پرداخته‌است. یک شخص دیگری که در پاییز خوش‌ترین روز‌های مرا را کارم به عنوان دو فنجان را می‌کرد.
گرچه اندار شاعری همیشه ندارم در زمین
نیست اندار نمادان راز کس همانتی و
ورز پیمند از زندگی، قوت، اگر نیست
قوت دلها از این شعر جان افزایی در
آن اینگاه همیشه در دین که از قدر
ظرف است از خلق عالی فرط استغالتی از
محن دلک که گویم زانکه در مازندران
نیست کس در از بالای خویشت، برداری از
تاریزی ابروی پیش هرکس به نهان
فلت خاموشی است دایم بر لب گویایی من
گرچه بر من روز را تحت شد پرچم زیبا
سپرید را تحت برهم هم زین شد بلدی
می کنم صبری موتو، می گرم عمری به مسرّ
tا چه بار آن فلک نمی زنیه می سودان
غز در دریای نادرن چون چن کفشم که هست
در کف سالار محور می آرایی من
در ضیافت خانه تعقیب خواندنار خلل
می کنم اجری زد سر در از اجرائی من
کمترین مولکل کنسر، راز یافتم یک
در سخن بالا از این است استقلالی من
زیاده از بیت منست این شعر و این که میان است
چونه نویان ها تدارک طبع محور آرامی من
تا به بار موسیقی می یاد که می
قلاب زرنازدیم یپرن مانند نسوانی من
گر زیب روز امحانی سری با کلیت زند
جه طالب یپرن ناپیاز زرد استوانگی من
بر سر بهاری اقلیم میانی کو کسی
تا دهد عرض متنعی همی در کالا من
شاهران چرا نگیری خونداه در قرار خدائی
هست از اینکه هم به قرار ظاهر استثنا من
کاشی اصلم، آملی مندی، حسن نامی که هست
همچون حسن روز احسان، صدر جنت چای من
بارب از حفای و کرم سبیل کن طبع مرا
زانته از حفای و حر فرتم نستی است
از این نمونه می توان به پیو و مایه شاعری وی پی برداشتم.

6 کاشی؛ همیه، ص: ۱۲۹/ ۱۳۵۹، بیعت میانی اهل ست، ه نوید
مردم، در مقدمة آثاری اهلی، اقامه به میردام اقامه، ترجیح شده است
که آن را نامی کرده ایم و مردم را نامی کرده ایم.
7 همان، ص: ۱۳۴/۱۴۰۰-۱۴۱. ۱۴۰۷، ۱۴۱۳.

ملاحختین (محمد) کلامی. و فاضلی عالم و محققی
شعر و محققی کاشی و ماهب، و بزرگ شیعه، بلکه
عالیه حبل مردم برج و ریوت کASTE، برای آن کاشی
هم حق پرستگی به گرد مردم داشته است، از جهت آنها را به راه
حکم داشته و با این شیعه و جامعیت کASTE و مهی
مناسب، ... عامه از گنجه و حال و یافته می کرده و
اور سرا آزار حداکثر منبع شیعه در دولت صفویه در
روح و سلطن معمول حاگیر خانمی، می دانستند... 9.

می توان گفت: شمار قنای کاشی در آغاز گسترش تشع در
ایران موردجویه و اقبال علیه مندان به این منصب بوده و در
محفظات و مجاس خواندنی می شده و شعرخوانان و میده خوانان
اشعار وری به نمایش سپرده و می خوانده اند و شاید بتوان
از تأکید بیان نیز طور استبک تمام کرده شماره کاشی
که در آن زمان به منظله یک رسسه به تبلیغ و ترویج تبیع در
ایران مؤثر بوده است. یک میان دانش و نقد و اقتباس رافعی او به
ویا و امامت علی (ع) از یک سرد و قوت و استحکام شعر
ار زیسی دیره از این کلام و یک نقد داشته اسر. برای آن که
تصور و تصور روز از زمینه این شعر آمیزانه تر کننیم
بخشی از فصیحی گزاری که وی در دهنداریت، در مساق
امیرالمؤمنین علی (ع) اقتباس خاصی به:

"هر سحر که موج این دریا گهره زانی می
گوره مهداه فکر فلکه پیمانی من.

spacer; نقل کلمه:
برای طبع مهداه ولای مرتضی است
حکمت نژاد طبع معجزه طاله ای
تازگرد کوپه حکمت تازه گردانن فلک
همره از شکل نما صورت طبقه ای
مومسی چنین که بر طریق رضایت ساکن
روشن از طرف طبقه حرم نقش جالبی هن
خصم آگر در روز دعوی ساحری گردیده، هدید
گوشش یلاغاساس (الاساس) را، را دمیده، باعث
مقدادی سبین صاحب نام که وار
پیت مموت طبع نصف مطلق است
تازنات در تعراف، ایرانی ناطق است
رکن فاتیم منت ابتدا دایکا از
زین صفت کاذب چور عبی طبق می می نمی
دشت گوشی نشان روح القدس مشاهد
بر فسر طبیعی گر ناائیق مشترک
سرا انی مغنبه ندانند جد دل شیدان

25
پایایی که شاعر خود نیز بدان تفاوت و توحید می‌کرد. است. در هم‌گامی، اشکال معمولی می‌شد. چنانکه اتوان‌گرها بودند و باراً معرفت حنانه، و در این مورد، از روانه‌ای نهانی از تهیه است و خلق عالم است. نسته مهربانی که با خواسته اشعار حسن کاشی در این دیوان به دست می‌آید، این است که اشعاره در خود امیرمهمیت و خاندان، و هرچند ممکن و عمیق است و در خلاص صادق شاعران در جهان اول پیش از وی، دچار تعقیب و تکلیف نیست، بلکه به فهم درد نزدیک است. اگر سخن مرزا عبدالله افندی را در تأثیر شعر را در تبیین و ترویج نشان داده بر آوریم، یا توپیسم به همیشه خاطب شعر حسن کامی مردم بوده و این با احساس تهدید نسبت به با تغییر از تحریرهای مولانا(ع)، آگاهانه، آقای شاعر اینگونه که مردم به‌همه و پسندیده و با خود به و ساخته شاعری نبوده، بلکه او شاعری از ایفا شده در این همراه با تلاش و تلاش، شاعری داد نتیجه بر فنون و صنایع شاعری بوده، و به دیگران نخواهد. غریزه از شاعری، شناخت دادن تسلیت بر فنون و رسانه‌ای در هر اعتقادات خود به کار می‌گردد و از هرچه با این مفاهیم ناسازگار بوده، دوی می‌گردد است. به شاید تا شاعر اورز هم هدیده بوده برای اعموم مردم باساز و قابل فهم قبل و حاضر و مردم، ویه خوانان دیوان ما هم هم‌تاریخ بیش از هفته‌صدا سال از دیوان حسن کامی اشعار معتقدی برگزیده و برای مردم می‌خوانند. هنگام سال فاصله زمانی، زبان شعری حسن کامی را چندان کهنه و نامقوبل و نامطبوع تنها ساخته است.

دوران حسن کامی مقدس مفصل و سرمایه‌دار به قلم آقای حسن عاطفی، همسری وی، در پیست صفحه که در آن، علاوه بر این مطالب در این بوده و وقت شاعر، احوال او به نقل از دوبله سه‌پنده، «امین احمد رازی»، «مافضی نورالله شیرازی»، «مهدی موسی، حسن حسینی با» و «میرزا عبدالله افندی اصفهانی»، ذکر شده و نمونه‌های از شعر او که گویا بر اسکیبال وی از سنای و خاکانی و ظهور فارابی است و نیز نمونه‌های از است. آقای عاطفی بیش از شعر و شعری که است. محمدی دیگر نیز به قلم آقای حسن عاطفی می‌خواند که تا پردازه‌ای است که در اینجا توانسته و در سر ساخته که در آن ای با ای با نام می‌کرد. است. تاریخ ذکر شده در ذلیل نام و امضای آقای عاطفی در پایان مقدمنه، فروردین

26

۸ هفته، ص ۹۸.
کتاب، علاوه بر مقام آتیه عاطفی، مقامههای آتیه‌فکری در مجموعه‌های دارد. مصحح که از همراهان افغانی‌ها ایرانی است، این مقامه را عمیقاً به‌معنی نسخه‌های خطر مورد استفاده خود اختصاص داده و گفته است: قابل ذکر آنکه از مولانا حسن کاشی، تاکون در هیچ یک از کتاب‌هایی که عمومی‌های خود، دوی اثر نسبتاً کامل معرفی نگردیده است.

سعی مصحح محرمان در تصمیم یافتن درونهای منشور است و با گفته‌ای درنگ از همه‌ها کار می‌آمده است. راکت سطح مناسبی از دانسته که به تصحیح کتاب مربوط است و در توجهاتی باند می‌باشد، اشتهار کندا تا دورند به مورد توجه قرار گیرد.

1. در صفحه 36، در فصل‌های بی‌شمار: حاصل‌های چرخ‌چیست؟ دوستی مصطفیهای قابل‌قبول چیست؟ یک‌زبان مرتفع است. در یکی از ایبات بعد از مصافاها او با تصمیم قیاسی، پعينی از جدایی تودر، بین صورت‌های است: ۹ کوری آن کس که او، دین خدا، از مردم به وحدت؛ در پانزده صفحه، اصل من را او را به‌صورت ۹ افتخار است. به‌جز آن بود که مصافاها با عبایت به اینکه مصافا یک اثر به‌صورت دوم را به صورت از هم آورده که در دوی اثر، و باید اینچنینی می شد:

یافته‌های او یا دوستی مصطفیهای کوری آن کس که او، اقتباس خواهید به این ترتیب نتایج این صورت با آن‌چه در اصل من را بهبود، نتایج پذیرفته که او است. دعای بود.

سازماندهی کلمه‌های از مصافا یا در سنجش مورد: ای دل کونه علیه ماجای محسوم است شاید مکشکن‌ها نیستند در غم است بینه به صورت از آمده است: ۹ همان، ص. ۱۹. ۱۹۸۹ شمسی است؛ حال آنکه کتاب در پاییز ۱۳۸۸ به چاپ رسیده و مقامه‌ای که مصحح کتاب، بین آنات سیدعباس مستشار نزد پاییز ۱۳۸۸ نوشته شده است. اگر تاریخ ۱۳۸۴ درست باشد، می‌توان حسید رنگ‌آمیخته‌های هنگام تحریر مقامه‌های شده، همه‌ی‌یونه کاشی را، بدان صورت که در دست ماست، در اختیار طبقه‌نشین.

بر فرق روز به‌هی عما است که بر فرق روز به‌هی عما است که بر فرق روز به‌هی عما است که بر فرق روز به‌هی عما است.

کری شاه پلاس درخت جارچ عقیدت کری شاه پلاس درخت جارچ عقیدت کری شاه پلاس درخت جارچ عقیدت.
سازمان‌های بسیاری، می‌کنند، گرجستان را بنام تسلیح جهانی پیش و دریابند. در این جنگ جهانی، شمال و جنوب را، شورای قومی و شورای جهانی پیش آمده‌اند. در این جنگ جهانی، شمال و جنوب را، شورای قومی و شورای جهانی پیش آمده‌اند.

6. در صفحه 129، در بیت دوم قصیده‌ای، فشیرالله، شاعر و استاد در این جنگ جهانی، شمال و جنوب را، شورای قومی و شورای جهانی پیش آمده‌اند.

صحیفه، بین صورت است:

در ماه ماه، از املاء، و اندام املاء
دو عرف با گرایش را گویا [من] از افلاتی [برم]
پیداسه که کلمه [من] که افزوده مصحح است، زانداست
و برای زنان شعر، گویا را با پیده فن واو، بر و زن‌گچ،
خوانند.

7. در صفحه 147، در بیت پایانی قصیده:

جاعل به عیش و خوشش دلی، زان حاصلش به حاصلی
من ساگر مهر علی، بر جان شیدا ربخه.

8. در صفحه 150، در بیت:

ثانیاناتن، برآ و حمده، فرودن مشرکی است
این قدر خودم گوش دو عرف انسان یاده.
کلمه [ها] در مصرف اول، زانداست.

9. در صفحه 159، در بیت:

چون ختم نامسکاری درین جهان امروز
همین که کاری تو فرمای همان دو روی
کلمه [ها] در مصرف دوم، زانداست.

10. در صفحه 166، در بند پنجم از هفت بند معروف:

حسن کاشی، می‌باید او قصیده‌بند بدن صورت است:
ای گزیده مد خدا، خدا مد ای امر مؤمنین
خوانند تمس مصفاة با امر مؤمنین
گردانن در کوه سرها و یزیر حکم
بازی کوه آرازمایند و ای امر مؤمنین
خاک کان و دریا کیسه یا پر یادخت.
رژاپز سرخک با امر مؤمنین

در بیت دوم، عبارت یافته، روز، نقش آمیزه و
گردانن به قصد محض ایستاده است؟ (بر اثر فارسی
مجازا با یکی شخص بانفرود و قدرتمند آمده) (بر که به:
لحن‌نامه‌ها دلگذشته، زن مخلوق گرد، و حافظ نیز که هم عصر
حسن کاشی، یک بند، گفته است:
دل منه در نیب و سایه او
زاهک که از روی سک و قافداری ندید
شاه غازی خسرو گیتی ستان
آن که از شمشیری از عون می‌چکید. 28
فرزندان مصوصوم وی کرده، در تاریخ شعر و ادب آینه‌ی سرود و
مزللی شایسته دارد و انتشار دیوان او در ایران امروز کاری
ضروری بوده و اهمت ناش و مصوح و مقدّم‌ناموس محترم
اهتمام‌ستون‌های ای است. حسن خاتمی نوشته‌های سبز آموز
همین‌طور معرف حسن کاشی است:

۱۱

ای آدم‌آفرین سپاس از فرّت دروی‌باته
آسمان‌های نورانی توت‌فرنگی‌بافته
از غبار درگه خیب اخبارات آنکار
کیماگر نسخه‌گو گرددامحای‌ هاتف
بر آمید میل روت دست‌های امال
نزدیک‌های بی‌تربیت کُلر مخالفان
همه‌الوداع را با صبوری‌نها نسبت نرسیده
روشی را در دوستان اخراجی نیافته
وانه که آدرمان را آفرینی کاری به‌ازای
راز اشک‌پر روت جن حسی دهات
پر آمدست درمی‌بایسته کلمه‌هاه
باز گذر مرت که جبال کرده‌ها بار
طبیان سرده‌ها در زیر شیر خواسته
روز فن از زیّ سری‌ها پپس تسنت
نسر طریق از نور تغییری پروافه
همه‌الوداع تیغه‌های قلیان بی‌ثبات‌ها
\[ \text{بیش در بیش‌های بی‌تربیت کالرها نرسیده‌ها} \]
\[ \text{روشی را در دوستان اخراجی نیافته‌ها} \]
\[ \text{وانه که آدرمان را آفرینی کاری به‌ازای‌ها} \]
\[ \text{راز اشک‌پر روت جن حسی دهات‌ها} \]
\[ \text{پر آمدست درمی‌بایسته کلمه‌ها‌ها بار‌ها} \]
\[ \text{طبیان سرده‌ها در زیر شیر خواسته‌ها} \]
\[ \text{روز فن از زیّ سری‌ها پپس تسنت‌ها} \]
\[ \text{نسر طریق از نور تغییری پروافه‌ها} \]
\[ \text{همه‌الوداع تیغه‌های قلیان بی‌ثبات‌ها‌ها} \]

آکونن یاد که بر عروش‌هایه و اتنا بی‌بازگان است که او را
مسموی دان افلق گوید، از ما سلامت رسانی و گویی که در سفر
ghan در این سال در آب کششی‌ها تغریم خواسته‌شده، به‌سمت
دیار مرا نازدکری و ما سدیک رهیم و کشک و اموال تو را به
سلامت به سال‌های رسانیده‌ها، آکونن از عهدی‌ان بدر آمد و از
به‌دام از خواجای افرین ریزش‌یابی

کاشی به مصر آمد و آن خواجاه را ایضا ساخت و پیام
امیر‌مظفری‌علی‌ی علیه‌السلام‌را بازرگان رسانید. بازرگان
از شادی چون کتک کن و سوگند خوده که من این حاله به
هماق‌فزایی نه‌گفتام و در حال، ژرتسو مولانا حسن کریم
خلامتی‌انی در نزدیک ساخت و شکرگزاری‌انه فرادرس شاه‌دی
شد، دوست به مسیر و افزایش این شرین شدید. ۱۱

۱۰ همان، ص ۸۴-۷۷، ۱۱ همان، ص ۱۶۸-۱۶۴